

کیهان

تثبیت نرخ ارز به‌خودی‌خود گره‌گشا نیست، بلکه اصل تثبیت ارزش پول ملی است که از نظر قانونی؛ در قانون اساسی، بند ۲ سیاست‌های کلی برنامه هفتم و ماده ۳۲ قانون برنامه هفتم جزو وظایف حاکمیت و بانک مرکزی است. از نظر عقلی و علمی نیز نسخه «نرخ ارز شناور مدیریت‌شده» یک نسخه دیکته‌شده غریبه‌ای برای کشورهای جهان سومی است که خودشان هرگز عمل نکرده‌اند و بیش از ۶۰ کشور الان بازار تثبیتی نرخ ارز دارند.

اکثر کشورهای پیشرفته نیز به چند دلیل دچار مصیبت و لنگاری نرخ ارز نیستند. از جمله دلایل عبارتند از: دیکتاتوری (پنهان) اقتصادی آنها منع نوسانات است، یا با اشباع بازار مواجهند، یا بازار اشباع‌شده مانع از مانور نرخ‌هاست، یا طبق قانون تعادل کلی والراس (Walras law) که بیان می‌دارد: اگر (۱-n) بازار در حالت تعادل باشند، بازار باقی‌مانده آخرین در تعادل باید باشد. با وجود تعادل نسبی اکثریت قریب به اتفاق بازارها، نرخ ارز ملعبه بی‌تعالی‌ها نیست. با مانند کشور ما مورد تهاجم عوامل نفوذی دشمنان از درون و عوامل مهاجم دشمنان از بیرون مورد هجوم و جنگ اقتصادی واقع نشده است. زیرا متغیرها در اقتصاد رفتاری هستند نه مکانیکی.

تورم؛ یک متغیر رفتاری
تورم و افزایش قیمت‌ها یک متغیر رفتاری است. امری بدیهی و محسوس است. اصلاً نیاز به اثبات هم ندارد: «آفتاب آمد دلیل آفتاب». همه شاهدند که در سال ۱۴۰۳ وزیر اقتصاد معزول نرخ ارز را دو برابر کرد. همچنین بنگاه‌های مفت‌خور از بیت‌المال و دلالتان اتاق ارز فرادایی و لابی‌های اتاق بازرگانی مرتب بر طبل جنگ افزایش قیمت ارز کوبیده و می‌کوبند، اما در کشورهای پیشرفته، ترکیبی از این سه دلیل باعث ثبات نسبی بازار نرخ‌هاست.

مقامات پولی چگونه متوجه نیستند که ما هیچ بازار تعادلی نداریم تا بازار ارز را رها کنیم و در سطح ظروف مرتبطه هم سطح، آن هم عادلانه قرار بگیرد؟ از نظر شرعی هم طبق آیه صریح قرآن «ولا تبخسوا العیزان» و «ولا تبخسوا الناس اشیائهم و لا تعتوا فی الارض مفسدین»؛ دست‌کاری در «میزان» عین «فساد در زمین» است.

امروزه هم ادله علمی و تجربی و هم ادله عقلی و نقلی و هم ادله شرعی ثابت می‌کنند که ارزش پول ملی مصداق «میزان» است. لذا هیچ عاقلی مثلاً در مقیاس‌هایی چون متر و کیلو و لیتر و هر پیمانه و معیار دیگری دست‌کاری نمی‌کند. «میزان» به معنای محکم و ترازوی اندازه‌گیری است و هیچ عاقلی نمی‌تواند بر عمودی که شکستگی است تکیه دهد. مرحوم آیاتالله حائری‌شیرازی (رضوان‌الله تعالی علیه) بیش از ۲۰ سال پیش موضوع تعریف «پول پایه طلا» را مطرح کرده‌اند.

باید پول ملی بر اساس «سعی» مانند طلا، همانند دینار طلا و درهم نقره در صدر اسلام یا تجربه چند دهه اخیر کشورهای پیشرفته تعریف

دولت بارها اعلام کرده که ۱۵۰ هزار میلیارد تومان بارانه پنهان نان به مردم می‌دهد. همچنین بارها از عدد عجیب ۱۵۰ میلیارد دلاری یارانه پنهان سوخت و اعلام کرده یا از یارانه پنهان ارز ترجیحی کالاهای اساسی می‌گوید، اما هیچ‌گاه از یارانه‌هایی که مردم به دولت می‌دهند و مالیات پنهانی که از مردم دریافت می‌کند و بی‌آنکه جرمی کرده باشند آنها را با بی‌ارزش کردن پول ملی، تنبیه می‌کند حرفی نمی‌زند.

دولت هیچ‌گاه از میلیاردها دلاری که به واردات آیفن و قطعات خودروهای مونتاژی اختصاص می‌دهد حرفی نمی‌زند اما به واردات خودرو سه میلیارد دلار اختصاص می‌دهد که صرف واردات خودروهای گران قیمت و بسا تعیین تعرفه بالا می‌شود و امکان دسترسی به خودروهای ارزان و

ایمن را از بین می‌برد. عده‌ای با یک طراحی صحنه برای دولت، سیاست‌گذار را قانع و برای او عدالت‌نمایی می‌کنند که ارز نیمای را حذف کند و حاصلش این می‌شود که نه‌تنها آن اختلاف ارز توافقی و آزاد بیشتر شد و آن بستر ادعایی فساد گسترده‌تر شد بلکه علاوه‌بر آن تورم سنگین جدیدی هم به مردم تحمیل کردند.

مدعیان و همان همیشگی

محمدحسین رادان؛ رئیس اندیشکده صمیم می‌افزاید: منتقدان دلسوز گفتند حتی ۳۰ درصد ابزارها و سبازکارهایی که بتوانید نرخ ارز را در بازار آزاد کنترل کنید در اختیار ن دارید و فراهم نکرده‌اید. برخی هم برای شما اقل قابل فراهم کردن نیست و اساساً از دسترس شما خارج است و بر اساس روال‌های موجود، هر افزایشی در نرخ نیمای اعمال کنید، مطمئن باشید بازار هم نرخ خود را بالا خواهد کشید و شما در وضعیت فعلی‌تان نمی‌توانید این اختلاف را رفع کنید و راه‌حل‌های دیگری وجود دارد اما آنها با همان خلق‌و‌خوی همیشگی، منتقدان را متهم کردند که اصلاً اقتصاد نمی‌فهمند!

وی با بیان اینکه حرف منتقدان و مخالفان روایت جریان اصلی، کاملاً درست و دقیق بود، عنوان می‌کند: اساساً باز همچنان اگر از همان تجویزکنندگان، همان روابیان پرمدعای روایت جریان اصلی، بپرسید که پس چرا این نسخه شما باز شکست خورد؟ طبق معمول به گردن این و آن می‌انازند و مسئولیت تجویز خود را برعهده

رانت بسیار بسیار بزرگ‌تر و کلان‌تری وجود دارد به نام «رانت سود بدون عملکرد» با یک بخشنامه بانک مرکزی که حاصل رشد نرخ ارز بود. فقط چند بانک بیش از ۲۰۰ هزار میلیارد تومان سود بدون ریسک و بدون هیچ زحمتی شناسایی کردند! یک بانک به تنهایی ۱۴۹ هزار میلیارد تومان سود کرده است.

باید شمشیرمان را کجا بزنیم؟! او با بیان اینکه معتقدم آقای پزشکیان انسان بسیار خوش‌قلب و متعهدی است که دغدغه قلبی او حل مشکلات

می‌توان روند کاهشی نرخ ارز را تدریجی اعمال کرد. هفته‌به‌هفته بانک مرکزی نرخ هفته بعد را اعلام کند، لذا تمام ارزهای ذخیره‌شده از سوراخ موش‌ها و زیر بالش‌ها خارج و حتی پایین‌تر از نرخ اعلامی در بازار عرضه خواهند شد.

و تثبیت شود. زیرا شاعر می‌گوید: «هرچه بگنبد نمکاش می‌زند وای به روزی که بگنبد نمک». اگر ارزش پول ملی پا در هوا باشد، همین‌طور باید شاهد بازی با قدرت خرید، جان و مال و آبروی کشور و مردم باشیم و از آن بدتر «دلارزدگی» تعمیلی سودگران مرگ، صادرکنندگان عمدی، غاصب انفال ملی و دلارفروشان در بازار است که بهترین فرصت را با «بی‌مبیا بودن ارزش پولی ملی» پیدا کرده‌اند و مشغول خیانت، کودتا اندر کودتا علیه نظام جمهوری اسلامی بوده و هستند.

تجربه چند تکانه ارزی
لذا در این چهار و نیم دهه چندین تکانه بزرگ به دار و ندار مردم وارد کرده‌اند و متأسفانه

اقتصادی



منافع کاهش قیمت ارز برای همه اقشار

اعتباری بسا ارزش پا در هوا عملاً تبدیل به پول مایع نشده‌اند، بلکه خیلی مواقع با آنها همراهی کرده‌اند و بزرگ‌ترین خیانت رهاسازی قدرت مردم و «فروش مردم به دلالتان ارز فروش و صادرکنندگان سکولار پرنفوذ توسط دولت با عاملیت مستقیم وزیر اقتصاد معزول، با واگذاری تعیین نرخ ارز به نابازاری به نام «بازار توافقی».

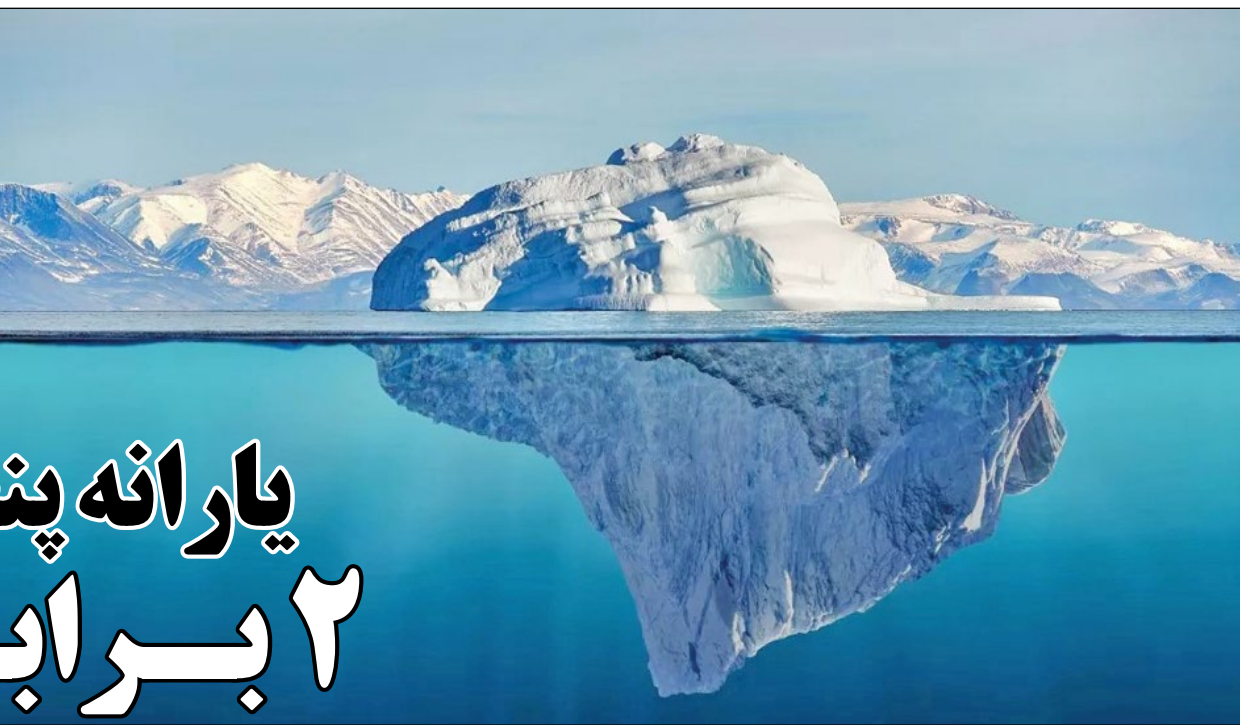
در طول لاقل سه دهه گذشته گفتمان غالب محافل علمی اجرائی و دانشگاهی حذف سه یا چهار صفر از پول ملی بوده است. این گفتمان از اساس بی‌فایده بود زیرا زمانی نتیجه‌بخش است که ارزش پول تثبیت شود و تورم نزدیک صفر یا بسیار ناچیز باشد. زیرا با افزایش مداوم قیمت‌ها با نرخ معادل ۴۰ درصد تورم، باید هر دو سال یک‌صفر از پول خود حذف کنیم که به لحاظ تعادل روانی جامعه نه امکان‌پذیر است و نه چنین اتلاف هزینه‌ای منطقی است.

ضرورت واقعی‌سازی درآمدها

چرا دولت مردان با بهانه واقعی‌سازی قیمت‌ها بر اساس شاخص قاعده تجاری فوب (F.O.B) فقط به فکر واقعی‌سازی (افزایش جهشی و سرسام‌آور) «هزینه‌ها» هستند و هرگز حتی در مخپله خود خیال واقعی‌سازی «درآمدها» را نمی‌کنند؟

در طول لاقل سه دهه گذشته گفتمان غالب محافل علمی اجرائی و دانشگاهی حذف سه یا چهار صفر از پول ملی بوده است. این گفتمان از اساس بی‌فایده بود؛ زیرا زمانی نتیجه‌بخش است که ارزش پول تثبیت شود و تورم نزدیک صفر یا بسیار ناچیز باشد.

مردم و تحقق عدالت است و پیشرفت و اعتلای ایران ارزی اوست، ادامه می‌دهد: در عین حال جریان‌های بسیار قدرتمند و ریشه‌داری در کشور وجود دارند که با مکتبی که دارند، روایت خاص خود از وضعیت اقتصاد کشور و راه‌های برون‌رفت از آن را به روایت غالب و اصلی تبدیل کرده‌اند که آن را «روایت جریان اصلی» می‌نامیم.



تکرار چرخه خسارت بار

رئیس اندیشکده صمیم می‌افزاید: هسته‌های مرکزی این جریان‌های قدرتمند، حلقه‌هایی را در اطراف رئیس‌جمهور و سایر مسئولان ارشد کشور با عناوین و ترکیب‌های مختلف شکل داده‌اند و این حلقه‌ها با تأکید بر روایت جریان اصلی به‌عنوان تنها روایت صحیح و قابل اتکا، مسئولان ارشد را وادار به اتخاذ تصمیمات و پیشبرد سیاست‌های اقتصادی ذیل روایت خود می‌کنند. این جریان‌ها با «صحنه‌آرایی» و «عدالت‌نمایی»، مسئولان را وادار به برخی تصمیمات نادرست می‌کنند که دود اصلی آن به چشم مردم می‌رود.

رادان ادامه می‌دهد: در ابتدای این دولت وزیر اقتصاد منصوب شد که کارنامه او در زمان ریاستش بر بانک مرکزی، قابل قبول و قابل دفاع نباشد و شاهد بدویم که قیمت ارز در طول هفت ماه ابتدایی این دولت با همت ایشان، حدود ۷۰ درصد رشد کرد! امری که در ابتدای هیچ دولتی سابقه نداشته است!

او می‌افزاید: بسیاری از دلسوزان به رئیس‌جمهور توصیه می‌کردند که شما گزینه بهتری را پیشنهاد کنید و با اینکه اقتصاددانان خوبی در ستاد ایشان بودند که نگاه و روایتت کاملاً متفاوتی از روایت جریان اصلی داشتند اما برای ما هم سؤال شد که چگونه آنها از دولت دور ماندند و روایت آنها و راه‌حل‌های آنها نادیده گرفته شد و می‌شود. انتظار حداقلی این است که این‌ها همچنان مورد مشورت

عدالت چیز خوبی است و باید در عمل باشد نه با حرف! یک دفعه هم شده صادق باشند و جرات داشته باشند و ارزش پول ملی را با قدرت خرید فوب دلار و درآمد مردم (به‌خصوص کارکنان و بانزبنستگان و کارگران حقوق ثابت‌گیر) معادل‌سازی کنیم. باز یادآوری می‌نمایم که قدم اصلی همان تعریف پول پایه طلاست و تذکر این نکته مهم نیز لازم است که برخلاف نظر برخی از صاحب‌نظران، نیازی به تکا فوب ذخایر دلار نیست. تعهد دولت نسبت به ارزش پول ملی مهم است. با فرض محال اگر تمام پایه پولی به دولت مرجوع شود (که هرگز چنین اتفاقی سابقه ندارد) می‌تواند علاوه‌بر طلا از ذخایر شیه نقد انفال چون نفت و گاز استخراج‌شده نیز مدد بگیرد که با کمترین زمان ممکن و تهاثری قابل تبدیل به شمش طلا و نقره خواهند بود.

این عمل تا زمانی که ذخایر طلا (و نقره) به اندازه کفاف برسند ادامه خواهد یافت. انجام این هم کار ساده‌ای است. کافی است که بر روی اسکناس معادل چنددهم، چندصدم یا چندهزارم طلا و نقره درج شود و لذا پول ملی برای همیشه از نوسانات سسوداگران مصون می‌شود و پول

منصب دارند: از یک طرف مصرف‌کننده و از طرف دیگر نقش تولیدکننده (کالاها و خدمات) را دارند. باز طبق این تعریف، توزیع‌کننده و دولت (کلیه کارکنان دولت) و واردکنندگان و صادرکنندگان نیز در واقع تولیدکننده نوعی خدمت هستند. مردم ممکن است تولیدکننده یک یا چند کالا و خدمت در طول سال باشند، ولی بی‌تردید در طول سال بیش از ۱۰ هزار نوع کالا و خدمات را مصرف می‌کنند. لذا کاهش قیمت (با کاهش محرک کاذبی چون ارز) به نفع همه و منافع کاهش قیمت‌های تبعی این عمل به لحاظ وزنی در کفه «نقش مصرف‌کننده» بسیار بیشتر و سنگین‌تر از کفه «نقش تولیدکننده» خواهد بود.

دوره و بازه زمانی فرآیند تولید متفاوت است. ولی واردات و صادرات از زمان ثبت سفارش تا ورود کالا به مقصد بیشتر از سه ماه نیست. برای مصرف‌کننده دوره مصرف یک‌ساله مورد نظر است که باز تفاوتی ندارد زیرا مصرف مستمر است.

می‌گوید: صبر کنید! همین الان به من خبر دادند که متأسفانه نرخ ارز به ۱۰۰ هزار تومان رسیده، رئیس‌جمهور ارائه کنند. رئیس اندیشکده صمیم می‌گوید: خیلی خوب! این نسخه را اجرا کردند. حالا در چه وضعیتی هستیم؟ ارز نیمای ۴۸ هزار تومان مهرماه، به ۶۸ هزار تومان در بازار توافقی رسیده، ولی نرخ بازار آزاد از ۶۲ هزار تومان به بیش از

می‌گفت: «که با کاهش نرخ ارز حتی به نرخی پایین‌تر از نرخ پیشنهادی این نوشتار، همه در هر نقشی؛ چه مصرف‌کننده یا تولیدکننده یا صادر و واردکننده و توزیع‌کننده و دولت، بسیار ساده‌تر از افزایش نرخ ارز با کاهش نرخ ارز بهتر و کم‌هزینه‌تر عادت خواهند کرد. لذا جای نگرانی نیست و فقط نیاز به عزم و جزم و انگیزه خدمت خدایی مقامات اقتصادی در سه قوه حاکمیتی کشور دارد.

می‌گفت: صبر کنید! همین الان به من خبر دادند که متأسفانه نرخ ارز به ۱۰۰ هزار تومان رسیده، رئیس‌جمهور ارائه کنند. رئیس اندیشکده صمیم می‌گوید: خیلی خوب! این نسخه را اجرا کردند. حالا در چه وضعیتی هستیم؟ ارز نیمای ۴۸ هزار تومان مهرماه، به ۶۸ هزار تومان در بازار توافقی رسیده، ولی نرخ بازار آزاد از ۶۲ هزار تومان به بیش از

می‌گفت: صبر کنید! همین الان به من خبر دادند که متأسفانه نرخ ارز به ۱۰۰ هزار تومان رسیده، رئیس‌جمهور ارائه کنند. رئیس اندیشکده صمیم می‌گوید: خیلی خوب! این نسخه را اجرا کردند. حالا در چه وضعیتی هستیم؟ ارز نیمای ۴۸ هزار تومان مهرماه، به ۶۸ هزار تومان در بازار توافقی رسیده، ولی نرخ بازار آزاد از ۶۲ هزار تومان به بیش از

می‌گفت: صبر کنید! همین الان به من خبر دادند که متأسفانه نرخ ارز به ۱۰۰ هزار تومان رسیده، رئیس‌جمهور ارائه کنند. رئیس اندیشکده صمیم می‌گوید: خیلی خوب! این نسخه را اجرا کردند. حالا در چه وضعیتی هستیم؟ ارز نیمای ۴۸ هزار تومان مهرماه، به ۶۸ هزار تومان در بازار توافقی رسیده، ولی نرخ بازار آزاد از ۶۲ هزار تومان به بیش از

می‌گفت: صبر کنید! همین الان به من خبر دادند که متأسفانه نرخ ارز به ۱۰۰ هزار تومان رسیده، رئیس‌جمهور ارائه کنند. رئیس اندیشکده صمیم می‌گوید: خیلی خوب! این نسخه را اجرا کردند. حالا در چه وضعیتی هستیم؟ ارز نیمای ۴۸ هزار تومان مهرماه، به ۶۸ هزار تومان در بازار توافقی رسیده، ولی نرخ بازار آزاد از ۶۲ هزار تومان به بیش از

صفحه ۸

شنبه ۹ اردیبهشت ۱۴۰۴

اول ذی‌القعدة ۱۴۴۶ – شماره ۲۳۸۴۴

با فرض اعلان کاهش دستوری نرخ ارز در میانه دوره صادرات، تاجر صادرکننده کالا را با ارز ۹۰ هزار تومانی از بازار داخلی جمع و صادر کرده و در دور اول مجبور است ارز خود را با ۱۵ هزار تومان به بانک مرکزی تحویل دهد. ولی باافاصله با جمع کالا از بازار داخلی که با استقرار قیمت‌های مبتنی بر ارز ۱۵ هزار تومانی تنظیم یافته‌اند، ضرر دور اول تجاری‌اش در دور دوم جبران می‌شود و سپس روال جدید بر فعالیت او تأثیری نخواهد داشت. اگر اعلان کاهش دستوری نرخ ارز در ابتدای دوره مانند مرحله تهیه پروفرما و ثبت سفارش باشد، در این‌جا در دور اول تجاری هیچ زبانی نخواهد کرد.

متأسفانه در کشور ما همه بسترها برای کار واردات و عمده‌فروشی و خرده‌فروشی مغروش و ساده‌است. اگر کاهش در آغاز دور تجاری‌شان نباشد، واردکننده و توزیع‌کنندگان نیز ممکن است مانند صادرکننده ارز یا کالا را قبلاً گران خریده باشند، ولی با خرید مجدد ارز یا کالا در دور دوم جبران می‌شود. ولی به دلیل کوتاهی دوره تجاری واردکننده و قدرت انطباق‌پذیری بالا، در جدول فرض واقعی این است که زبانی هر گز متوجه آنها نمی‌شود. ایشان مانند کارگزارند که چه قیمت بالا و چه پایین باشند ۱۰ تا ۱۰۰ درصد و (حتی بیشتر) به صورت درصدی سود روی کالا می‌کشند. در دور بعدی نیز تأثیری وجود نخواهد داشت.

بسا اگر اعلان کاهش نرخ ارز در آغاز دوره تولید نباشد، تولیدکننده نهاده‌ها را گران خریده و حال مجبور است ارزان بفروشد. در دور بعدی با ارزان خریدن نهاده‌ها، درآمد کاهش‌یافته دور

با سرکوب فعالیت‌های غیرمولد با ابزاری چون مالیات بر عایدی سرمایه و با کمک سامانه یکپارچه پایش ترانکش‌های پولی و جلوگیری از فرار مالیاتی و همچنین پرداخت حق‌الکشف قاچاق به نیروهای خدم امنیت و … می‌توان از انحراف منابع به سمت فعالیت‌های غیرمولد به شدت جلوگیری کرد.

قبلی‌اش کفاف هزینه‌های کاهش‌یافته‌اش را که تحت تأثیر قیمت پایه ۱۵ هزار تومانی کاهش یافته، در دور دوم می‌دهد و زیانش جبران می‌شود و در دور بعدی با تداوم روال جدید در رفتار داده و ستاندنش تعادل برقرار می‌شود.

در مجموع تنها کسانی از این کاهش عینی و جهشی نرخ ارز ضرر (خیالی) می‌برند که با دلالتان که فقط به هرر سایر افزایش نرخ ارز فقط دفعتاً در همان مقطع سود برده‌اند یا بنگاه‌های صادراتی مانند پتروشیمی‌ها، پالایشگاهی‌ها و فولادی‌ها که تقریباً منابع زیرزمینی (انفال) را به ثمن بخش با هزینه‌ای ربایی از دولت می‌خرند و محصولات خود را با کسب قیمت از بازارهای جهانی با نرخ دلار به مردم می‌فروشند. صادرات خود را کم‌ظهارتی می‌کنند و ارز خود را نیز برمی‌گرداند یا با تبانی با دلالتان در بازار آزاد فروخته‌اند.

عبدالمجید شیخی
اقتصاددان

هر کارمند ما در سال ۱۴۰۳ بیش از ۶۰ هزار دلار به دولت «یارانه پنهان» داده است!

رئیس اندیشکده صمیم می‌گوید: با این حساب فقط چهار میلیون کارمند دولت جمهوری اسلامی در سال بیش از ۲۴۰ میلیارد دلار به دولت یارانه پنهان می‌دهند! شما معتقدید باید برق و گاز را به قیمت جهانی حساب کنید؟! پس عدالت حکم می‌کند خدماتی که کارمند شما به شما ارائه می‌دهد را هم با همان منطق، به نرخ جهانی محاسبه کنید.

رادان با مقایسه میزان حقوق ماهانه بانزبنستگان و مستمری‌بگیران ایران با همانیا خود در آمریکا اشاره می‌کند و می‌افزاید: درباره بانزبنستگان و مستمری‌بگیران هم در حالی که چهار میلیون و ۵۰۰ هزار نفر مستمری‌بگیر صندوق‌های وابسته به دولت داریم اگر میانگین حقوق ماهانه‌ای که این عزیزان در سال ۱۴۰۳ دریافت کردند را دست بالا ۱۵ میلیون تومان در نظر بگیریم که این رقم نیست؛ رقم سالانه آن می‌شود ۱۸۰۰ دلار.

او ادامه می‌دهد: در آمریکا حداقل میانگین پرداختی به بانزبنستگان در سال ۲۰۲۴ مبلغ ۲۳ هزار دلار بوده است و به این ترتیب بانزبنستگان ما هم در سال ۱۴۰۳ بیش از ۹۵ میلیارد دلار یارانه پنهان به صندوق‌های بانزبنستگی وابسته به دولت پرداخت کرده‌اند! اگر می‌خواهید قیمت انرژی را به اصطلاح واقعی کنید، حقوق کارمندان و بانزبنستگان را هم واقعی کنید!

رئیس اندیشکده صمیم تصریح می‌کند: با این منطق شما می‌گویید دولت دارد ۱۵۰ میلیارد دلار در سال به مردم یارانه پنهان می‌دهد؛ در حالی‌که فقط بیش از ۳۳۵ میلیارد دلار از کارمندان و مستمری‌بگیرانش در حال دریافت یارانه پنهان است! کارگران ما هم در سال بیش از ۴۷۰ میلیارد دلار یارانه پنهان است!

رادان می‌افزاید: البته من کارگران را حساب نکردم. حداقل هشت میلیون کارگر تمام وقت و تحلیل‌ی معتبر، حداقل ۶۲ هزار و ۵۰۰ نفر است. می‌افزاید: اگر میانگین حقوق ماهانه‌ای که دولت در سال ۱۴۰۳ به کارمندانش داده، دست بالا ۲۰ میلیون تومان در نظر بگیریم، یعنی دولت به‌طور میانگین در این سال به هر کارمند خود ۲۴۰ میلیون تومان حقوق داده است که با احتساب نرخ دلار ۱۰۰ هزار تومانی می‌شود ۲۴۰۰ دلار! در حالی‌که ارزش واقعی کار او با قیمت‌های جهانی ۶۲ هزار و ۵۰۰ دلار بوده است! یعنی در حقیقت

آساری و تحلیلی معتبر، حداقل ۶۲ هزار و ۵۰۰ نفر است. می‌افزاید: اگر میانگین حقوق ماهانه‌ای که دولت در سال ۱۴۰۳ به کارمندانش داده، دست بالا ۲۰ میلیون تومان در نظر بگیریم، یعنی دولت به‌طور میانگین در این سال به هر کارمند خود ۲۴۰ میلیون تومان حقوق داده است که با احتساب نرخ دلار ۱۰۰ هزار تومانی می‌شود ۲۴۰۰ دلار! در حالی‌که ارزش واقعی کار او با قیمت‌های جهانی ۶۲ هزار و ۵۰۰ دلار بوده است! یعنی در حقیقت

سایت جماران